

## بسم الله الرحمن الرحيم

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای

با عرض سلام و تحیت

انتخاباتی که به ناحق کثیری از مشارکت در آن محروم شوند، اگر نام اسلام بر آن بگذارند، بدعت و حرام است. قبل از هر چیز باید بگویم در آستانه ی انتخابات مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی و نزدیک انتخابات ریاست جمهوری و در شرائط سخت و کمرشکن اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی و قانونی و حقوق شهروندان و بن بست سیاست داخلی و خارجی هستیم و این همه بن بست و گره در یک لایه ی اصلی ناشی از انتخابات غیر قانونی و غیر اخلاقی است که باید بر آن متمرکز شد و به اصلاح اساسی آن پرداخت.

و با تأسف این گفتار در شرائطی است که ملت مظلوم فلسطین در نهایت بی رحمی و در مقابل چشم جهان، وسیله ی یک دولت درنده خو و با پشتیبانی آمریکا و اروپا و برای این که خاور میانه را برای خود حفظ کنند، قتل عام می شود و حقیقتاً خاطره ی مغول را تجدید می کند. غرب مدعی حقوق بشر به اسم دفاع از نفس از جنایتی چنین وحشتناک پشتیبانی می کند و در حقیقت پشتیبانی از این قتل عام کم نظیر، باطن متجاوز آمریکا و غرب را عریان می کند و نشان می دهد که بشریت هنوز از عصر جاهلیت وحشی خارج نشده است.

اما به ناچار با توجه به وضعیت مفلوک مدیریت داخلی نکاتی را متذکر می شوم که با همه ی تجربه های تلخ و منفی که جز ناامیدی حاصلی نداشته، امیدوارم با توجه به فریاد همه ی اصلاح طلبان و دانشمندان دلسوز به حال ملت جان به لب رسیده، مفید و مؤثر باشد و گوشه ی شنیدن و عبرت پیدا کند.

### بیانات اخیر رهبری درباره ی انتخابات

یکم. رهبری می گوید؛ "ملت خود را برای برگزاری انتخابات به بهترین صورت آماده کند همراه با چهار خصوصیت؛ مشارکت قوی و پر شور، رقابت واقعی جناح ها و دیدگاه های مختلف، سلامت حقیقی و امنیت کامل." و می گوید؛ "جمهوریت و اسلامیت نظام هر دو وابسته به انتخابات است، چرا که تحقق جمهوریت و مردم سالاری و حاکمیت مردم در اداره ی کشور راهی جز برگزاری انتخابات ندارد".

آقای خامنه ای نبود. انتخابات را موجب برقراری دیکتاتوری یا هرج و مرج و ناامنی و اغتشاش خوانده اند و گفته اند؛ "انتخابات تنها مسیر صحیح و حقیقی است که می تواند حاکمیت ملی مردم را تأمین کند". آقای خامنه ای می گوید؛ "ما حق نداریم از جایگاه بالا و متکبرانه با مردم حرف بزنیم زیرا اصلاً ما کسی نیستیم و آنچه هست متعلق به مردم است و اگر مسئولیتی هم به ما داده شده، اولاً مردم داده اند و ثانیاً برای خدمت به مردم است". «شرق ۹ شهریور ۱۴۰۰»

دوم. من این سخنان را به فال نیک می گیرم اما واقعیت تماماً با آنچه آقای خامنه ای در مقام مدیر و مسئول اول کشور انجام داده اند در تضاد با این حرف ها و سخنانی است که امروز ایشان بیان کرده اند، زیرا چهارچوب نظری و عملی و آن چه هست و اقدام شده و می شود دقیقاً خلاف این بیانات رهبر و برخلاف قانون اساسی است.

چهارچوب نظری کنونی و آن چه بر اساس این چهارچوب عمل می شود از هیچ نظم منطقی و علت و معلولی برخوردار نیست و در ذات خود متناقض و دارای گسل ها و از هم گسیختگی هایی است که هرگز توان ایستادن و دوام و بقا ندارد و اگر اصلاح ساختاری در این چهارچوب انجام نگیرد، به هر صورت فروخواهد ریخت و آوار آن بر فرق ملت و اسلام و قدرت حاکم فرود خواهد آمد و خدا می داند سرنوشت کشور و ملت و اسلام و فرهنگ به چه صورتی در خواهد آمد.

توضیح آن چه گفته شد به قرار ذیل است:

در چهارچوب کنونی به صورتی که عمل می شود آقای خامنه ای شورای نگهبان را نصب می کند و شورای نگهبان اعضای خبرگان رهبری را تعیین می کند و این خبرگان، رهبری را نصب می کنند و معنای این مطلب جز این نیست که رهبری خودش، خودش را نصب می کند که هیچ محصل حقوقی بر آن مترتب نمی شود و این تناقض آشکار و دور واضحی است که طلاب علوم دینی در حاشیه ی منطق ملا عبدالله آن را یاد می گیرند و از نظر فلسفی بطلان آن امری بدیهی است.

سوم. و این شورای نگهبان منصوب رهبری، همان بنیاد سست و خانه ی عنکبوت است که با اختیارات مطلق و نصب و حمایت رهبر به صورتی که معلوم شد و بدون هیچ مستند و پاسخ گویی، رئیس جمهور و نمایندگان مجلس را به

اتهامات واهی و فاحش و بی دلیل و اثبات دادگاه ، متهم می سازد و آنان را رد صلاحیت می کند و این در حالی است که شورای نگهبان هیچ حقی بالاتر از نظارتِ صرف ندارد و هیچ قیدی در قانون اساسی بر نظارت وجود ندارد و رئیس مجلس خبرگان وقت ( مرحوم بهشتی ) می گوید ؛ " شورای نگهبان صرفاً حق نظارت دارد و حق دستور به قوه ی مجریه را ندارد ". اما نظارت استصوابی که به این صورت عملاً اجراء شده است ، هیچ حق اختیار و انتخابی جز آنچه شورای نگهبان می گوید برای ملت نمی گذارد و با فکر محدود خود بی محابا هر کس را خودخواسته و هر کس با سیاست های رهبری همراه نبوده ، رد صلاحیت کرده است و تا امروز و در همین انتخابات جدید ، این شکل غیر منطقی و غیر معقول و غیر مشروع ادامه یافته است و چنین است که شورای نگهبان بی دغدغه و تردید آقای هاشمی رفسنجانی و آقای حسن روحانی و آقای علی لاریجانی و آقای جهانگیری و آقای پزشکیان را که تار و پود وجودشان با جمهوری اسلامی تنیده شده ، رد صلاحیت می کند و از همین جاست که شورای اصلاح طلبان در آخرین بیانیه شان می گویند ؛ " اصلاح طلبان نمی توانند در انتخاباتی تهی از معنا ، غیر رقابتی ، غیرمنصفانه و غیر مؤثر در اداره ی کشور شرکت کنند " و تمام احزاب اصلاح طلب با همه ی محافظه کاری از حضور در انتخابات سر باز می زنند . این یک شوخی تلخ و ناعقلانی است که ؛ شما شرکت کنید و ما شما را رد صلاحیت می کنیم .

### شرط اعتقاد قلبی و التزام عملی به اسلام

شورای نگهبان شرط اعتقاد قلبی به اسلام و التزام عملی به اسلام را از شرائط صلاحیت می شمارد ، در حالی که این دو شرط طبق قواعد و فتاوی تمام فقهاء ، لغو و بی معناست ؛ زیرا مسلمان کسی است که از پدر و مادر مسلمان به دنیا آمده باشد و یا به زبان به شهادتین اعتراف کند اگرچه در قلب چنین اعتقادی نداشته باشد . و این سیره ی قطعیه ی رسول خدا صلوات الله علیه است و التزام عملی به اسلام با تمسک به اصل برائت قانونی و فقهی و اصالت صحت ، امری مسلم و معقول است اما شورای نگهبان مدعی است که باید این اعتقاد قلبی و التزام عملی را حتی در خفا احراز کند و داوطلب باید برای اثبات ، اقامه ی دلیل نماید ، در حالی که احراز قابل تصدیق و تکذیب نمی باشد .

طنز روزگار این است که آقای الهام. حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان مدعی است که اصل، عدم اعتقاد و التزام است و داوطلب باید با دلیل آنرا اثبات کند. این در حالی است که اصل عدم، در موارد خاص، امری تبعیدی است و اصل عدم فلسفی و واقعی اصلاً معنا ندارد و لغومی باشد و هیچ امری را اثبات و نفی نمی کند. الهام می گوید؛ " داوطلب باید با دلیل، وجود اعتقاد باطنی و التزام عملی در خفا را اثبات کند و اگر نتواند، نتوانسته صلاحیت خود را به اثبات برساند. باید داوطلب اثبات کند که در خفا آن کار دیگر را نمی کند".

## مرحوم مؤمن به ملت ایران توهین می کند

مرحوم مؤمن از شخصیت های معتبر شورای نگهبان می گفت؛ "اگر مردم آدم بد می خواهند، خب عقل ندارند و اگر آدم خوب می خواهند، شورای نگهبان شناسایی و تأیید می کند". ملاحظه کنید که این آقا چه برداشتی از قانون اساسی و ملت ایران و انسان ایرانی و فرهنگ کشور و جهان دارد. آقای جنتی در برابر قانون انتخابات که صرفاً بر اطلاعات ارسال شده از چهار نهاد قانونی تکیه دارد می گوید؛ "ما تحقیقات خودمان را داریم" و با سیصد هزار نفر به کسب اطلاعات از زندگی خصوصی داوطلبان در سراسر کشور می پردازد و از هیچ اتهامی نسبت به داوطلبان مجاهد و مسلمان و با خانواده های مسلمان مؤدب به آداب، بدون اثبات دادگاه و با نفی و انکار اصل برائت و اصالت صحت، نمی پرهیزد. راقم این سطور این تخلفات قانونی و گناهان کبیره را از زبان آقای جنتی با سند نقل و در نامه های سرگشاده ذکر کرده است و تکرار آن ها در این مختصر نمی گنجد.

آقای جنتی نمایندگان مجلس ششم را رسماً در (نماز جمعه ۳/۴/۸۳) به فحشاء، مسائل اخلاقی، قاچاق فروشی، مسائل امنیتی، کارهای مشکوک به جاسوسی، داشتن مسائل مالی و انتقال اسناد طبقه بندی شده متهم می سازد و ۸۵ نفر از نمایندگان در حال انجام وظیفه رابدین صورت رد صلاحیت می کند در حالی که هیچ يك از این اتهامات در هیچ مرجع صالحی اثبات نشده است.

آقای جنتی دبیر شورای نگهبان و رئیس مجلس خبرگان رهبری و سایر اعضای شورای نگهبان بر اساس این خیالات واهی و نامعقول و غیر شرعی و غیر فقهی هزاران نفر از مسلمانان مجاهد را به عنوان عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام رد صلاحیت نموده و آنها را از شرکت در انتخابات و مردم را از انتخاب آنان محروم کرده است. من نمی دانم از این بلبشوی جهل و غرض چه تعبیری داشته باشم و اسم این همه را چه باید گذاشت؟؟

این چه استغناست یارب وین چه قادر حکمت است کاین همه درد نهان هست و مجال آه نیست

صاحب دیوان ما گویی نمی داند حساب کاندرا این طغرا نشان حسبه الله نیست

چهارم . محصول این طرز تفکر در اداره ی کشور، گذشته از آسیب شدید به اخلاق و فرهنگ و قانون و دین و اسلام و حرمت مقدس ترین مقدسات و حرمت پیامبر و قرآن و اهل بیت ، به بی اعتمادی و وجود خشم و غضب و نارضایتی مردم و بی اعتنایی به تبلیغات رسمی درباره ی پیشرفت انجامیده است . فقط به چند رقم از آمار اقتصادی می پردازم که نشان شکست کامل جمهوری اسلامی در این زمینه است:

۱- در مجلس اول و سال ۶۰، در آغاز کار مرحوم نوربخش به عنوان رئیس بانک مرکزی در يك جلسه ی خصوصی که به پیشنهاد آن مرحوم تشکیل شده بود ، گفت ؛ قرض دولت از بانک مرکزی در نهایت رژیم گذشته فقط شصت میلیارد تومان بوده و اکنون ظرف این مدت کوتاه به پانصد میلیارد تومان بالغ شده است و اخطار کرد به مجلس و دولت تا از چاپ بی پشتوانه ی اسکناس پرهیز کند اما اکنون يك کارشناس اقتصاد اعلام می کند که نقدینه گی از هفت هزار هزار میلیارد تومان گذشته و هر ماه بیست و سه هزار میلیارد تومان اسکناس چاپ می شود « شرق ۳۰ آبان ۱۴۰۲، حسین حق گو»

۲- در آغاز انقلاب در کنار وزارت مسکن ، بنیاد مسکن انقلاب تأسیس شد اما اکنون گزارش مرکز پژوهش های مجلس می گوید ؛ " نرخ فقر مسکن در سال ۱۴۰۰ به رقم ۵۵ درصد رسیده " و برخی کارشناسان می گویند ؛ " آرزوی صاحب خانه شدن با حساب هزینه ها و پس انداز به بیش از صد سال رسیده است " . « شرق، آذر ماه همان سال » . نیز طبق گزارش مرکز آمار ایران بیست میلیون ایرانی خانه ندارند . « منبع پیشین »

ایران به نسبت یکی از ثروتمند ترین کشورهای جهان است . ایران از نظر ذخائر نفت، سوم و از نظر ذخائر گاز، دوم و صاحب ۱۷ درصد معادن جهان است . ایران مازندران سبز و خرم و خوزستان گرم و خراسان و آذربایجان معتدل و کویر بلوچستان و کرمان را دارد .

ایران دارای يك فرهنگ باستانی بسیار پرسابقه و صاحب تمدن اسلامی و مدفن حضرت رضا صلوات الله علیه است که سالانه حدود بیست میلیون زائر دارد و مهمترین ثروت ایران ، ملت هوشمند و نیروی کارشناس و کاربلد است . این ایران هرگز نباید حدود ۳۰ درصد مردم اش زیر خط فقر باشند و سالانه ۱۵۰ هزار نفر مهاجرت کنند و حدود ۵ میلیون مردم اش به ناچار در خارج زندگی

کنند. این شرائط و بسیاری از تنگناها که شرح همه ی آنها از عهده ی این مکتوب خارج است، نتیجه ی ضعف مدیریت و سیاست های غلط و نادرست است که حدود نیم قرن است، ادامه دارد.

## سیاست دشمنی با آمریکا و غرب

سیاست دشمنی با آمریکا و نابودی اسرائیل و سیاست خودی و غیرخودی و سیاست انحصارطلبی گروهی خاص، آنچنان که حتی بهترین و نجیب ترین مسلمان ها نیز در آن جایی ندارند.

مسئله این نیست که آمریکا به عنوان بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان چه نیات و انگیزه هایی دارد و یا اسرائیل چگونه به وجود آمده و اکنون چه می کند، بلکه مسئله این است که مصلحت ایران و ملت ایران چه سیاستی را ایجاب می کند و چگونه می توان از مضرات دشمنی با آمریکا در امان ماند و منافع و مصالح کشور را در منطقه و سطح جهان تأمین کرد و چگونه می توان زمینه ی صلح و آشتی و آرامش منطقه و جهان را که يك ضرورت همگانی است، بهتر تأمین کرد.

بی شك اختلافات و تضاد منافع وجود دارد که می توان با مصالحه و بده و بستان از مصالح کشور و ملت دفاع کرد. این در حالی است که آمریکا نیز مثل ایران به ایران نیاز دارد و روزگار قدرت و استثمار و استعمار يك طرفه گذشته است.

## گذار مسالمت آمیز

بر خلاف نظر کسانی که بر براندازی و فروپاشی به هر صورت حتی با جنگ پافشاری می کنند و بر شیور خشونت می دمند و تصویری ساده اندیشانه از بعد فروپاشی دارند و یا فهم درستی از وضعیت بعد از فروپاشی ندارند و پرده ی کینه و خشم آنان را از دیدن واقعیات جامعه محروم ساخته و جامعه ی خشم آلود و کینه های فرو خورده و انتقام جویانه را همراه با عدم توجه به مصالح کلان کشور و ملت به درستی حساب نمی کنند و وحدت ملت و تفاهم بر سر یک رفراندوم را بعد از فروپاشی امری ساده و امکان پذیر تلقی می کنند و جانشینی ساده را برای نظام دست یافتنی می دانند، راقم این سطور فروپاشی

این نظام را از چاله به چاه افتادن می داند و آن چه بعد از فروپاشی بدین صورت حاصل می شود هرگز به آزادی و قانون و دموکراسی و آرامش و رفاه نمی انجامد . اختلافات عمیق و ریشه داری که بین مخالفین نظام و بین ملت وجود دارد ، قابل چشم پوشی نیست و به آسانی و با حرف و شعار برطرف شدنی نمی باشد .

**اعتقاد من این است** که باید این بیانات اخیر رهبری را با تکیه بر انتخاباتی رقابتی و شرکت همه ی جناح ها و دیدگاه ها و حاکمیت مردم و این که نبود انتخابات موجب دیکتاتوری می گردد و انتخابات تنها مسیر صحیح است که می تواند حاکمیت ملی را تأمین کند ، به فال نیک گرفت و **انتخاباتی بدون نظارت استصوابی و با استانداردهای معقول و قانونی و مورد پذیرش ملت از ایشان خواست و در غیر این صورت تمام اصلاح طلبان اسمی و رسمی و اصلاح طلبان واقعی از شرکت خودداری کنند ؛ زیرا انتخاباتی که حق ملت و حتی بخشی از ملت در آن ضایع شود ، شرکت در آن گناه و اگر اسم دین بر آن بگذارند بدعت و حرام است .**

فرصت اصلاحات ساختاری و امکان آن وجود دارد

با اطمینان می گویم ؛ تمام دانشمندان و کارشناسان دغدغه مند و دلسوز و تمام مردم متوسط آگاه به عواقب امور و با تجربه همراه اصلاح طلبان اسمی و رسمی ، طرف دار اصلاحات اند و از عواقب فروپاشی و جنگ می هراسند .

من برخی از رسانه های داخل کشور و مقالات انتقادی بسیار آنها و رسانه های خارجی را در حد زیاد دنبال می کنم و گفت و گوهای خاص درباره ی آینده و گذشته ی ایران را در حد قابل ملاحظه گوش می کنم و می خوانم و تمام آنها که گاه با تمام شدت منتقد و ناراحت و اظهار یأس و ناامیدی می کنند ، اصلاح طلب اند و اعلام می کنند از فروپاشی و انقلاب ، دموکراسی و قانون و آزادی و رفاه حاصل نمی شود بلکه از چاله به چاه افتادن است .

## چهار خط قرمز

از چهار خط قرمز یاد می شود ؛ رابطه با آمریکا ، نظارت استصوابی ، حجاب و حبس آقایان مهدی کروبی و موسوی و سرکار خانم رهنورد .

اما من به صراحت و کوتاه می گویم؛ نفی رابطه و مذاکره با آمریکا، دریچه ی ارتباط با جهان و مجامع بین المللی را بسته و خسارتهای بسیار و کمر شکن بر ایران تحمیل کرده است و نظارت استصوابی، دریچه ی ارتباط با ملت را بسته و ملت را در برابر حاکمیت قرار داده و اجبار حجاب، حرمت اسلام و پیامبر و مقدسات را در معرض تهدید و توهین قرار داده و با واجبِ اهِمّ در تعارض است .

اما حبس سیزده ساله ی آقای کروی و موسوی و سرکار خانم رهنورد و آقای تاجزاده و آقای سعید مدنی و بسیاری از سیاستمداران قانون گرا دلیل کافی است که حاکمیت راه گفت و گو و تفاهم و جمع نیروهای سالم و بلکه بهترین انسان های جمهوری اسلامی رانمی داند و از ساده ترین و کم هزینه ترین راه برای حل مسائل و مشکلات عاجز است .

### مجلس خبرگان رهبری و مجلس تشخیص مصلحت

رهبری يك شاخص آن اجتهاد است ( البته طبق قانون فعلی) که آقای جنتی در مواردی با امتحان از طلاب مبتدی آن ها را برای ورود به مجلس خبرگان صالح اعلام می کند و آنان به مجلس خبرگان راه پیدا می کنند در حالی که حداقل اجتهاد این است که فرد بتواند نظریات شیخ انصاری و آخوند خراسانی و میرزا محمد حسین نائینی را تحلیل و نظریه ی خود را انتخاب و از آن دفاع کند . اما بُعد اساسی و سرنوشت ساز رهبری بعد از عدالت و تقوا ، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی ، تدبیر ، شجاعت و قدرت کافی برای رهبری است .

طبق قانون اساسی و به مقتضای قاعده ی مقبول عقلی و فقهیِ تناسب حکم و موضوع ، باید اعضاء خبرگان از کارشناسان سیاسی و مدیریت و توانایی تصمیم های سخت تشکیل گردد و مجلس خبرگان باید نماینده ی تمام ملت ایران با افکار و جناح های مختلف باشد .

اما مجمع تشخیص مصلحت نیز به مقتضای همان قاعده ی تناسب حکم و موضوع از کارشناسان مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و کارشناسان و متخصصان سایر مسائل مربوط باشند و این مهم ترین مسئولیت در یک نظام مدعی اسلام



است که می گوید مصلحت بر حکم اولی ترجیح دارد. کسی که حکم اولی شرع را کنار می گذارد، نمی تواند یک فرد معمول و متعارف ولو وفادار به نظام باشد.

## نگذارید نظام از هم بپاشد

من قبلا در برخی از نوشته ها گفتم اگر شاه دو سال و حتی يك سال پیش تر صدای ملت را می شنید و انتخاباتی آزاد با شرکت همه ی جناح های سیاسی داخل کشور انجام می داد، انقلاب اتفاق نمی افتاد.

به رهبری نیز عرض می کنم؛ راه برون رفت از این بن بست همه جانبه، انتخاباتی بدون نظارت استصوابی و با حضور همه ی جناح ها و رقابت کامل است که حضرتعالی در بیانات اخیر به آن تصریح و حاکمیت ملی و نفی استبداد و دیکتاتوری و جمهوریت و اسلامیت نظام را وابسته به چنین انتخاباتی اعلام کردید.

بنیانگذار جمهوری اسلامی در مرحله ای از جنگ گفتند؛ "تا چند روز قبل من فکر می کردم همچنان به جنگ و دفاع ادامه دهیم و اکنون با گزارش های کارشناسان مصلحت کشور را در پذیرفتن قطعنامه و خوردن جام زهر برای رضای خدا می دانم". خود شما نیز در مورد یا مواردی از نرمش قهرمانانه یاد کردید که اکنون همان وقتی است که در این مرحله ی خطیر این نرمش قهرمانانه به صورت انتخاباتی آزاد با شرکت تمامی کسانی که به قانون احترام می گذارند، تحقق پیدا کند.

تمام دانشمندان و کارشناسان و اصلاح طلبان رسمی از انتخاباتی بدون نظارت استصوابی استقبال می کنند

اگر نظارت استصوابی نباشد و استانداردهای انتخابات مورد پذیرش کارشناسان و دانشمندان و اصلاح طلبان رسمی و غیر رسمی قرار گیرد و اطمینانی پیدا شود، آقایان سید محمد خاتمی و دکتر محمد جواد ظریف و مهندس میثمی و دکتر صادق زیباکلام و دکتر سریع القلم و دکتر مسعود نیلی و دکتر رنایی و آقای سید حسین

مرعشی و آقای کرباسچی و آقای تاجزاده و دکتر حبیب الله پیمان و دکتر شکوری راد و خانم ها ؛ خانم فائزه رفسنجانی و خانم لنگرودی و خانم آذر منصوری و خانم نسرین ستوده در انتخابات شرکت می کنند و بدین صورت اصلاح خرابی ها و عیب ها و آسیب ها امکان پذیر خواهد شد .

در خاتمه باید بگویم ؛ من هرگز در صدد وصله و پینه ی حکومت کنونی نیستم و حرفی جز برون رفت از این بن بست ها با هزینه ی کمتر و سلامت بیشتر وجود ندارد . اسم چند نفر خاص در این مکتوب فقط به عنوان نمونه آورده شد و معتقدم دانشمندان و کارشناسان مسئول و نجیب و علاقه مند به مصالح کشور و ملت بسیار فراوان و بزرگترین سرمایه ی کشور برای اداره ی درست و خدمت به ملت و کشور است .

**و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین**

حسین انصاری راد

بیستم بهمن ماه یکهزار و چهارصد و دو